

تنفر به اسلام  
بر هر ایرانی  
از نان شب  
واجب تر است

# پیداری

نشریه‌ی کانون فرهنگی خرافه زدایی

تقدس دروغین  
اسلام فقط  
به تنفر و تحقیر  
می شکند

شماره ۵۸ - سال دهم - مهر ماه ۲۷۲۰ ایرانی  
اکتبر ۲۰۱۱ مسیحی - ۱۳۹۰ اسلامی تحمیلی - ۲۵۷۰ هخامنشی

پس از آمدن ده ها دین و سد و بیست و چهار هزار پیامبر  
هیچکدام از دین ها نتوانستند انسان های درست کردار و راستگو پرورش بدهند  
اسلام نتوانست، حتی یک آخوند خودش را آدم کند.

و بدتر از همه! خداوندگاری که جهان را در شش روز آفرید.  
با شش هزار سال تلاش شبانه روزی، نتوانست، حتی به یکی از خواسته هایش برسد.  
خواسته هایی که به تکرار در کتابهای آسمانی اش آرزو کرده است.  
او نتوانست دستکم بین آدمیان پیرو سه دین اش دوستی و علاقه برقرار سازد،  
بقیه مردم جهان پیشکش او!!

دکتر م.ع. مهر آسا

## بررسی و غور در کتابهای مشهور به آسمانی!!

قرآن بخش ۲۸

یکی از اشتباهاتی که مصنفین قرآن در ترکیب بندی و صفحه بندی این کتاب مرتکب شده اند و به صورت نقطه ضعفی بزرگ برای مجلد قرآن محمد درآمده است، چگونگی و نوع قرار گرفتن سوره ها و آیه های قرآن است. این درهم نویسی را اگر به پای بی دقتی و عدم مسئولیت کسانی که دستور جمع آوری و تصنیف قرآن را داده اند نگذاریم، باید به تصمیم عمد این مصنفین حوالت دهیم که عمداً چنین کاری را کرده اند تا ادعایشان در مورد وحی و جمع آوری آیات - از حافظه ی اصحاب محمد - را ثابت کنند! و گرنه به چه علت تاریخ نوشتن و یا به قول خودشان ترتیب زمان نزول این آیات و سوره ها را رعایت نکرده و این چنین قاطی و مخلوط مطالب را نوشته اند؟  
محمد، دوازده سال در مکه دعوی پیامبری می کرد؛ و یازده سال هم در مدینه این ادعا را تا روز مرگش با ترور و زور شمشیر

زندانی در پای اعدام

سیامک مهر

## لطفاً به گوش جهانیان برسانید

از روز نخست بازداشتم تاکنون، از بازجو و شکنجه گر و بازپرس و غیره جملگی من را به اعدام تهدید کرده اند و هریک که دهان باز کردند، بجای زبان، طناب دار نمایان شده است.  
در رابطه با تهدید و فشارهای سخت طاقت فرسا و بی امان، با بریدن رگهای دست خودم اقدام به خودکشی کردم (با شیشه عینکم) اما موفق نشدم و مرا به بیمارستان زندان رسانیدند.  
پس از آن، مأموران اطلاعات من را به بند ۸ اطلاعات زندان رجایی شهر کرج معروف به بند سپاه منتقل کردند.  
روز سه شنبه سوم شهریور بازجویان پس از ضرب و شتم و شکنجه بسیار از من خواستند وصیت نامه ام را بنویسم، سپس با بردن من به روی چهارپایه در حالیکه چشمانم را بسته بودند اعدام نمایی اجرا کردند. که من فکر می کردم اعدام واقعی است. اکنون من در سالن ۲ اندرزگاه معروف به آخر دنیا، محبوس هستم و مانده در رویه ی ۲

است که در سوره‌های دیگر نیز نوشته و تکرار کرده است! داستان موسی و هارون و فرعون و عصای موسی و ساحران فرعون؛ و باز هم قوم نوح و داستان کشتی و قصه‌ی شعیب و دیگر اباطیل و مهملاتی که تورات و انجیل بیش از یک بار آن را نمی‌نویسند؛ ولی محمد برای این که کتابش را پُر حجم و قطور جلوه دهد، دم به دم آنها را نوشته و در هر سوره بازگو کرده است.

بی‌شک محمد هم از نبوغ بی‌بهره نبوده و هم به‌جنون مبتلا بوده است؛ و این دو خصلت در غالب اوقات لازم و ملزوم یکدیگرند. البته طبع شعر هم داشته است؛ ولی این سوره را برای رد گم کردن، در رد شعرا نوشته است. اما با وجود این، از ۲۲۷ آیه این سوره، تنها در سه آیه در آخر سوره از شعرا سخن به میان آورده است.

آیه ۲۲۴ «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُنُ». معنی: «گمراهان از شعرا پیروی می‌کنند» در واقع، راست می‌گوید زیرا خود نیز شعر می‌بافته است و به این ترتیب مسلمانان معتقد و پیروش به راستی گمراهانند! و آیه ۲۲۵ و ۲۲۶ هم می‌گوید:

«آیا نگاه نمی‌کنی که آنها (شعرا) خود در وادی حیرت سرگردانند. و هرآنچه می‌گویند عمل نمی‌کنند» که به گمان من سخنی نادرست نیست. البته در آخرین آیه سوره می‌گوید: «مگر آن شاعران که ایمان آوردند و مسلمان شدند...» و اتفاقاً هیچ شاعری ایمان نیاورد؛ و تمام شاعران در هجو محمد قصیده‌ها می‌گفتند که اغلبشان پس از فتح مکه به دستور محمد اعدام شدند.

اصولاً هرآنچه را محمد در مکه نوشته و به سوره‌های مکی مشهورند، تکرار سد باره‌ی داستانهای تورات و اساطیر گذشته است. آدمی هنگامی که این کتاب را می‌خواند و دنبال می‌کند، به شعور و خرد محمد مشکوک می‌شود؛ و یقین می‌کند محمد یا به فراموشی دچار شده و گفته‌ها و نوشته‌های پیشین خود را به یاد نداشته است؛ یا نویسنده‌ی شیادی است که می‌خواهد کتابی قطور را به مردم تحمیل کند؛ و یا دچار جنون ادواری بوده و در مراحلی از زندگی چیزهایی نوشته که تکرار مطالب، آنهم به صورت خسته کننده و تهوع آور او را بیشتر خوشنود می‌کرده است.

در سوره ۲۷ «نمل» داستان عشق بین سلیمان پیامبر بنی اسرائیل و ملکه سبا را می‌نویسد؛ همراه با هُدُدی که پیام رسان بین عاشق و معشوق است. درست مانند یک نوول عاشقانه؛ و ادعا دارد که اینها کلام الله است! آیا این ادعاها خنده‌آور باید باشد، یا مقبول؟ سوره بعدی شماره ۲۸ رسماً نامش «قصص» است جمع قصه و یعنی داستان‌ها! حال آنکه سه چهارم قرآن قصه‌های تکراری است و تنها این سوره نیست.

سوره ۲۹ نیز مکی و نامش «عنکبوت» است. و چه نام زیبایی است؟! این نامگذاری تنها به این علت است که در یک سوره دراز و ۱۶ صفحه‌ای، در یک آیه الله می‌گوید کار کافران (کسانی که حاضر نیستند به محمد ایمان آورند) مانند خانه عنکبوت سست است. جف القلم!!

در مردم نجد و حجاز تزریق فرمود. روشن است که سوره‌های مکی پیشتر و جلوتر از سوره‌های مدینه‌ای نوشته شده‌اند و باید ترتیب زمانی نوشتاری - و یا به قول مسلمانان شأن نزول وحی - رعایت می‌شد. به این گونه که نخست تمام سوره‌های مکی آن‌هم به ترتیب تاریخ تحریر و بیان نوشته می‌شد و سپس سوره‌های مدنی آغاز می‌گشت. اما چنین نشده و با درهم نویسی و عدم رعایت تاریخ آیات و سوره‌ها، ضعفی دیگر بر تمام نقطه ضعف‌های قرآن افزوده‌اند و حتا آیات مکی در کنار آیات مدنی در یک سوره آمده است.

چنان که اشاره شد، شاید به عمد و از روی آگاهی این کار را کرده‌اند تا جنبه‌ی تألیف و تصنیف از سوی مؤلف تضعیف شده و جنبه وحی و جمع‌آوری بعدی آن چشمگیرتر شود که این خدعه نیز کارساز نبوده، بل تولید عیب و نقص کرده است.

### سوره ۲۶ الشعراء

این سوره در مکه نوشته شده و مشتمل بر ۲۲۷ آیه است.

نام این سوره «شعرا» است و محمد خواسته است در این نوشته به شاعران تهمت بزند و توهین کند. زیرا از یک سو شاعران در شعرشان او را هجو و مسخره می‌کردند؛ و از دیگر سو اعراب مکه خود محمد را شاعری می‌خواندند که مثنوی نثر مُسَجَّع و یا شعرگونه گفته است و آن را به عنوان کلام خدا معرفی می‌کند! به این جهات محمد در این سوره می‌خواهد هم خود را از شاعر بودن مبرا نگه دارد و هم به شعرا که عموماً او را مسخره می‌کردند تهمت و افترا ببندد!

ولی با وجود این نامگذاری، در این سوره طولانی، تنها سه آیه را به شعرا اختصاص داده و بقیه همان تکرار مکررات همیشگی و بیان داستانهای اساطیری و بازگویی دروغ‌های گذشتگان است.

آیه نخست سوره این است:

«طسم» بله! این یک آیه است و این گونه خوانده می‌شود «طا - سین - میم» عیناً سه حرف را می‌خوانند؛ و چون هیچ معنا و مفهومی ندارد و شبیه شعرهای خیلی خیلی نو امروز فارسی است، مؤمنان مسلمان و مفسران طاق و جفت قرآن، آن را از اسرار بین‌الله و محمد تفسیر و تعبیر کرده‌اند! چه اسراری و کدام اسرار...؟ تنها محمد و الله خیرالماکرین پی به آن می‌برند؛ زیرا جز خدعه چیزی نیست!

آیه ۴ را تنها برای جنبه مزاحش می‌نویسم:

«ان نَشَأَنَّزِلْ عَلَیْهِم مِّن السَّمَاءِ آیة فَظَلَّتْ اعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِیْنَ» معنی: «اگر بخواهیم از آسمان آیتی فرو می‌آوریم که گردنهایشان را خاضعانه خم کنند»

آیه خطاب به مخالفان نبوت است که حرف و ادعای محمد را نمی‌پذیرند و حاضر نیستند رسالت محمد را گردن نهند. اما مسخره اینجاست که گویا الله نمی‌خواهد و نخواسته است که این آیه را که خود قولش را داده است، نازل کند؛ و در نتیجه گردن کافران خم نشده و محمد ناچار دست به قبضه شمشیر بُرده است!!

سوره سراسر همان تکرار مطالب هزار بار گفته شده محمد

## بدهکاران به تاریخ

اگر خون‌هایی را که از روز به وجود آمدن ادیان آسمانی در کشورهای ایران و اسرائیل و عراق و عربستان و سایر کشورهای مسلمان و مسیحی و کلیمی منطقه بخاطر اختلاف‌های مذهبی از تن و بدن بچه‌ها و جوانها و خُرد و کلان و انسان‌های بی‌گناه و بی‌نوا به زمین ریخته شده است، و هنوز پس از سه هزار سال از آمدن نخستین پیامبرش موسی خون‌ها همچنان در حال ریخته شدن است بشود جمع‌آوری کرد مقدار آن بیشتر از آب دریای مازندان ما خواهد شد.

هر دینداری از اعضای این ادیان در هر کجای جهان که باشند مسئولیت این خون‌ها را به گردن دارند و اگر برای پایان نگرستن این خون ریزی‌ها اقدام جدی نکنند همه آنها در بوجود آوردن این دریای خون سهیم‌اند و دست دارند و در اندرون وجدانهای خود اگر داشته باشند، باید از همه نسل‌های فدا و فنا شده گذشته و آیندگانی که با جهان پُر آشوب ما روبرو خواهند شد روزی هزار بار پوزش خواهی کنند و شرمندگی خود را ابراز نمایند. چون به دنبال چنین باورهای زندگی سوز و بیرحم و بی‌سود رفته‌اند و باعث و بانی این همه جنایت شده‌اند.

خدا مجموع همه جان‌هاست. آزردهن هرجانی آزردهن خداست.  
پرفسور جمالی - فیلسوف ایرانی

## شوخی محیط

من سالها نماز خوانده‌ام، بزرگترها می‌خواندند، من هم می‌خواندم. در دبستان ما را برای نماز به مسجد می‌بردند، روزی مسجد بسته بود، بقال سر گذر گفت، نماز را اگر روی بام مسجد بخوانید صوابش بیشتر می‌شود چون چند متر به خدا نزدیکتر می‌شوید!!

مذهب شوخی سنگینی بود که محیط با من کرد و من سالها مذهبی ماندم، بی آنکه خدایی داشته باشم.

سهراب سپهری، تاج سر شاعران روشنفکر

هر کس مسلمان بمیرد حتماً جهنمی است چونکه این جهان را به جهنم تبدیل کرده است.

آیه‌ای بهتر از هر آیه قرآن!

سوره ۳۰ نیز مکی است و نامش «الروم» است. یعنی سوره‌ای از کلام الله و کتابی که خدا متنش را وحی کرده و فرستاده، به نام کشور و مردم «روم» نامگذاری شده است. خوب، آیا این کار الله باید باشد، یا سیاست‌مرد و قدرت طلب و شیفته حکومتی به نام محمد رسول الله؟!

سوره ۳۱ نامش «لقمان» است. محمد در این سوره شخصیتی دروغین به نام لقمان حکیم ساخته و به آن پرداخته که در هیچ تاریخ و اسطوره‌ای نام و ذکری از او نیست. در قرآن لقمان فیلسوف و حکیمی است که در ضمن پیغمبر هم هست و مانند محمد از سوی الله به مردم درس یکتاپرستی می‌دهد. غلامی حبشی که حکمت می‌دانسته و به خاطر این دانائی اربابش او را آزاد کرده و مانند محمد به پیغمبری و گمراه کردن مردم مشغول شده است. البته در تاریخ هیچ نشانی از او نیست.

سوره ۳۳ نامش «الاحزاب» است و در مدینه نوشته است. این سوره چون شأن نزول جالبی دارد و به دلیل ازدواج محمد با همسر پسر خوانده‌اش نوشته شده است، بسیار حرف‌ها دارد که باید به آن اشاره شود. لذا برای شماره بعد می‌گذارم.

از شماره ۶۰ نوشته‌های بررسی و تشریح کتابهای معروف به آسمانی را به پایان می‌بریم و امیدواریم آنچه را که نوشته‌ایم و بقیه آن را بصورت کتاب انتشار دهیم. بجای این رشته از مطالب، آقای دکتر مهر آسا موضوع های سودمند و جالب دیگری را آغاز خواهند کرد.

لطفاً به گوش جهانیان برسانید مانده از رویه‌ی نخست از کمترین امکانات یک زندانی نیز برخوردار نیستیم. ممنوع ملاقات، ممنوع تلفن، ممنوع تماس با وکیل و ممنوع از همه چیز. در اینجا خطرناکترین مجرمین زندانی هستند که هیچگونه آرامش و امنیت جانی از دست آنها ندارم. از سنگ کلیه، دیسک کمر، بیماری سینوزیت در رنج بسیار هستم، حداکثر درمان بهداری زندان یکی دو عدد قرص مسکن است. برای بردن من به هر جا از دستبند و پابند و چشم‌بند استفاده می‌کنند، در این زندان‌ها از ناچیزترین حقوق یک متهم سیاسی و عقیدتی محروم هستم. در این دادگاهها قاضی همان شاکی است. محمد رضا شجره سابق - سیامک مهر

من همه مردان و زنانی را که بی‌محابا به دنبال آسایش بیشتر مردم خود می‌جنگند می‌ستایم، چه در این جنگ، پیروز شوند و چه شکست بخورند.

ویلیام شکسپیر

## زن، شرفات با قوام باد

سلام فاحشه جان، تعجب کردی؟ میدانم در کسوت مردان اندیشیدن به تو، و گفتن از تو جالب نیست، ولی من آن مرد آپرومند و تحصیل کرده‌ای نیستم که مُد شده است، می‌خواهم برایت بنویسم میدانی که روز جهانی زن نزدیک است.

شنیده‌ام تن می‌فروشی، برای لقمه نانی، چه گناه کبیره‌ای! میدانم که میدانی همه ترا «بد» می‌دانند یادم می‌آید خیلی کوچک بودم و در محله ما چند نفری را با انگشت نشان میدادند که طرف خراب است! با همان ذهن بچگی نمی‌فهمیدم خراب یعنی چه، عصمت خانم، یکی از آنها، خیلی هم سالم بود و مهربان! ولی پسر حاجی باقر که ملقب به عروس خرابه‌ها بود هیچ وقت کسی نمی‌گفت خراب است.

راستی فاحشه جان از خودت هیچ پرسیدی چرا در سرزمین من و تو، اگر زنی زنانگی‌اش را بفروشد برای نان... رگ غیرت مردان بیرون می‌زند و سر بریدن و سنگسارش کمترین عقوبت است، اما اگر همان زن کلیه‌اش را بفروشد تا نانی بخرد و یا شوهر زندانی‌اش را آزاد کند نام این کار می‌شود ایثار؟ مگر هر دو از یک تن نیست؟

شرفت با قوام باد که اگر می‌فروشی از تن می‌فروشی، نه از ارزشهای انسانی و حق و حقوق مردم. فاحشه جان خسته‌ام، خسته‌ام از جامعه‌ای که زنهایش به خدیجه، زینب، فاطمه، رقیه و سایر افسانه‌ها و بلاهت‌های مشابه افتخار می‌کنند، خسته از جامعه‌ای که در آن رابطه انسانی خیانت، و سزای این رابطه برای مرد توجه بیشتر و برای زن سنگسار است.

فاحشه جان توی این دنیای وانفسا تو ساده‌ترین و پاک‌ترینی، مثل مادرم، صدایت آشناست مثل خواهرم، من از فاحشگانی دلگیرم که روشنفکرند و سیاستمدار و توان تشخیص دارند اما خفه خون گرفته‌اند، خیلی ادعای مردمی هم دارند ولی از زبانشان حرف دل مردم بیرون نمی‌آید، در خارج از کشور هم نمی‌توانند فریاد بزنند و مرگ بر تمامیت و اصل و فرع حکومت اسلامی بگویند. فاحشه جان روزت مبارک باد که از خودت مایه می‌گذاری نه از حق و حقوق مردم و دیگران.

## مسجد و مسلمانی در آمریکا

در آمریکا رویهم ۱۲۰۹ مسجد ساخته‌اند (تا تاریخ ۲۰۰۲)، دو میلیون مسلمان آمریکایی به این مساجد می‌روند. ۶۲ درصد این مساجد بعد از سال ۱۹۸۰ تأسیس شده‌اند (پس از انقلاب اسلامی در ایران) ۳۰ درصد از مساجد بروها مسلمان مادرزاد نیستند (مسلمانان شده‌اند). ۳۳ درصد مسلمانان پاکستانی، هندی، بنگلادشی و افغانی هستند. ۳۰ درصد از مسلمانان از سیاهپوستان آمریکایی هستند. یک و نیم درصد از مسلمانان آمریکایی از سفیدپوستان می‌باشند. ۲۵ درصد از مسلمانها در اینجا از کشورهای عربی، ۳ درصد از شمال شرقی آفریقا - ۲ درصد از بوسنی ها، تاتارها، کوسوو و اروپای شرقی هستند. بقیه یک درصد از حول و حوش دریای کارائیب، یک درصد از شهروندان ترکیه و هفت دهم (۷/۰) درصد هم از ایرانیان به این مساجد مراجعه می‌کنند (و هنوز شیفته یک بز چران عرب باقی مانده‌اند).

## رسانه‌های ایرانی

نامه فراخوان جنبش رهایی از اسلام را برای رسانه‌های فردوسی امروز، جوانان، تهران، کیهان لندن، عصر امروز، صبح ایران، ایران تایمز، نیروز لندن، پردیس، شهروند کانادا، ایران شناسی، راه زندگی، پژواک، پژوهش، مهر، پیکر، پیام، همسایگان، مترو، ره آورد، ایرانیان، فرستادیم، تا به امروز هیچ خبری نداریم که کدام از این رسانه‌ها اشاره‌ای به این فراخوان کرده باشند، فراخوانی که یک سد نفر از روشنفکران ایرانی آن را امضا کرده‌اند و مهم‌ترین طوماری است که تاکنون این تعداد از روشنفکران ایرانی در یک مبارزه بزرگ رهایی مردم سرزمین خود از دست یک اندیشه خطرناک بیابانی امضا کرده‌اند و یاری رسانه‌های ملی و ایرانخواه را می‌طلبند. نام رسانه‌های دیداری و شنیدنی (رادیو تلویزیون ها) را هم در شماره بعد بیداری خواهیم آورد که نامه را برایشان فرستاده‌ایم. از رسانه‌هایی که چه با دید انتقادی و چه با نگاه خبری و یا پشتیبانی از طرح اشاره‌ای در رسانه خود کرده‌اند ما را آگاه کنید تا در جمع بندی نهایی حقی از کسی ضایع نشود. ضمناً مشخص هم بگردد که کدام از رسانه‌ها به هويت ایرانی اهمیت بیشتری می‌دهند تا آیین عقب مانده اسلام که سده ها ایران را به‌زانو در آورده است.

## ترجمه پارسی دعای کمیل!

پروردگارا، مرا آن ده که خودم بیشتر حال می‌کنم، عواقبش با خودم، آمین! نمی‌دانم با سیب به زمین آمدم یا با گندم، اما میدانم با آب انگور به آسمان می‌روم!

ایران دومین مصرف‌کننده مواد مخدر در جهان است. خجالت نمی‌کشیم؟ یه خُرده همت کنیم تا قهرمانی راهی نیست! چرا ما همه‌اش دوم می‌شویم؟ بزنید همه، بریم برای اولی. خدا بخشنده و بعضی اوقات مهربان است. آمین رب العالمین. ترجمه از حجت‌الاسلام جاعل جاهلین فرمانده گردان افسل‌السافلین در جهنم جنوبی در همسایگی روح مُرده خدا خمینی بی‌نوا.

در شماره پیش بیداری (شماره ۵۷) در صفحه نخست نوشته بودیم طبق آیات قرآن، پیامبر اسلام بیماری صرع داشته و دیوانه بوده است. و برای ثابت کردن این ادعا چندین آیه از قرآن را شاهد آورده بودیم که شماره یکی از آیه‌ها درست نبود بدینوسیله درست می‌شود. سوره تکویر آیه ۲۲ است که یک ۲ از آن افتاده بود.

با پوزش

## شبهات شگفت آور

## بی شرمانه زیستن - بی تفاوتها

پس از جنگ جهانی و اشغال فرانسه توسط نیروهای آلمان برخی از مردم آنجا رفتار عجیبی پیدا کرده‌اند. این عده نام فرزندان خود را هیتلر می‌گذارند. برخی کار را از این هم فراتر برده و نام آنها را ۲ نوکر هیتلر و یا کنیز هیتلر می‌گذارند. نصف این جماعت هنوز برج ایفل را ندیده‌اند ولی حتماً باید بروند و دیوار برلین را بازدید کنند.

با اینکه اصلاً آلمانی بلد نیستند روزی چند مرتبه رو به دیوار برلین به زبان آلمانی دعا می‌خوانند. آنهایی که بر اثر تجاوز ارتشیان آلمان به اجدادشان دو رگه آلمانی فرانسوی شده‌اند، یک شال اس اس به کمرشان می‌بندند تا همه بدانند که اینها از پدر آلمانی و بر اثر تجاوز به دنیا آمده‌اند و البته به این امر افتخار هم می‌کنند.

یک عکس از یک جوان خوش تیپ و خوش هیكل را توی خانه‌اشان قاب کرده‌اند و می‌گویند این عکس هیتلر است و به آن احترام می‌گذارند. هرچقدر هم دیگران عکس واقعی هیتلر را نشانشان میدهند، زیر بار نمی‌روند و می‌گویند اصلاً هیتلر سبیل نداشته است.

شبهات شگفتی است که پس از حمله اعراب و اشغال ایران توسط سربازان عرب مردم ایران نیز رفتار عجیبی مانند آن فرانسوی‌ها پیدا کردند. آنها نام فرزندان خود را علی و حسین گذارند. برخی از این هم فراتر رفتند و نام آنها را غلامعلی و غلامحسین گذارند. نیمی از این جماعت هنوز شهرهای ایران را ندیده‌اند ولی حتماً به زیارت مکه و حرم امام رضا و سر قبر حسین رفته‌اند و یا آرزوی رفتنش به دلشان مانده است.

با اینکه اصلاً عربی بلد نیستند روزی چند مرتبه رو به عربستان دعا می‌خوانند. آنهایی که بر اثر تجاوز اعراب به اجدادشان دو رگه عرب - ایرانی شده‌اند، یک شال سبز به کمرشان می‌بندند تا همه بدانند که اینها سید هستند و از پدری عرب و مادری ایرانی و با حالت تجاوز به دنیا آمده‌اند و البته به سید بودن خود افتخار هم می‌کنند.

یک عکس از یک جوانی خوش قیافه با چشم‌های درشت مژه‌های بلند، ابروهای برداشته‌ی کمانی را توی خانه‌شان قاب کرده‌اند و می‌گویند این عکس حضرت علی است و به آن احترام بیشتر از پدرشان می‌گذارند. هرچقدر هم دیگران عکس واقعی علی را که از روی مشخصات گفته شده تاریخی نشانشان میدهند آن قیافه وحشتناک را نمی‌پذیرند که علی آنها باشد. هنگامی که نیک بنگریم همه ایدئولوژی‌ها در هرجای جهان که باشد نتیجه‌ای مانند هم دارند و انسانها را از حالت طبیعی بیرون می‌برند.

روزی در مجلس ختمی مردی که در کنارم نشسته بود از من پرسید، آیا شما این مرد درگذشته را می‌شناسید؟ گفتم نه زیاد، او یکی از بستگان دور ما بود که باهم ارتباط زیادی نداشتیم. مرد گفت، خدا رحمتش کند، چه خوب آمد و چه خوب رفت، آزارش به یک مورچه هم نرسید، زخم زبانی به هیچ‌کس نمی‌زد، حرف تند از زبانش بیرون نمی‌آمد، اسباب رنجش خاطر هیچ کس را فراهم نکرد، هیچ کسی از او گله و شکایتی نداشت، دوست و دشمن از او راضی بودند، واقعاً چه خوب رفت. برگشتم به او گفتم، با این صفات خالی از صفت که شما برای ایشان برشمردید، نمی‌آمد و نمی‌رفت که خیلی بهتر بود. هفتاد ۲ سال به ناحق و به حرام نان کسانی را خورد که به خاطر حقیقت می‌جنگند و زخمی می‌شوند، در میدان مبارزه زندگی زخم می‌زنند و می‌رنجانند و رنج می‌کشند. آخر آدمی که در طول هفتاد سال عمرش، آزارش به یک مدیرکل زورگو و دزد، به یک آدم منحرف بدکاره، به یک مزاحم و باجگیر محله و به یک چاقوکش مزاحم نرسیده باشد و توی گوش یک خبرچین نزده باشد، با چنگ و دندان به جنگ رباخواران و کلاهبردارها نرفته باشد و تفی به صورت یک سیاستمدار خودفروش وابسته به اجنبی نینداخته باشد، با کدام تعریف آدمیت و انسانیت تطبیق می‌کند.

ما نیامده‌ایم که بود و نبودمان یکی باشد. ما آمده‌ایم که با حضور خود جهان را دگرگون کنیم، نیامده‌ایم تا پس از مرگمان بگویند فلانی از کرم خاکی بی‌آزارتر و از گاو مظلوم‌تر بود. اینگونه زیستن برآستی که بی شرمانه زیستن است.

## شعری از برتولت برشت برای بی تفاوتها

نخست سراغ یهودی‌ها رفتند، من که یهودی نبودم اعتراضی نکردم. سپس به لهستان حمله کردند، من که لهستانی نبودم، حرفی نزد. آنگاه آزادیخواهان را زیر فشار بردند، من که لیبرال نبودم تا اعتراضی بکنم. روزی شد که نوبت کمونیست‌ها رسید. من کمونیست هم نبودم و اعتراضی هم نکردم. و سرانجام رسید آن روزی که آمدند سراغ خود من، هرچه فریاد زدم و کمک خواستم، کسی باقی نمانده بود که اعتراضی بکند.

در سن دیاگو اگر بیداری را پیدا نکردید، سری به فروشگاه ساحل بازار در شهر «لاهوریا» بزنید. (858)456-9959

الله به کمر مسلمان‌ها زده است!

## یک نکته و هزار کشف

مصباح یزدی که مخالفینش او را تمساح یزدی هم می‌گویند یکی از آیت‌الله‌های مشهور و بانفوذ رژیم جمهوری اسلامی است که در مسلمان بودنش شیطان هم شک ندارد!

ایسن آیت‌اله طراز اول رژیم در هنگامی که احمدی نژاد به ریاست جمهوری ایران رسید و بی‌شماری از ایرانی‌های رأی دهنده انتخاب او را در اثر تقلب مردود می‌پنداشتند، برای اینکه مردم را به انتخاب احمدی نژاد راضی نماید و انتخابات را درست بخواند گفت: «عنايات حضرت ولی عصر، امام زمان در جامعه‌ی ما دمید و امام زمان در شب احیای ماه رمضان تا سحر بیدار ماند و برای پیروزی آقای احمدی نژاد در انتخابات دعا کرد!»

و امروز که بین احمدی نژاد و همین آقای آیت‌اله شکرآب شده و احمدی نژاد، آیت‌اله‌ها و عماله‌ها را دیگر آدم حساب نمی‌کند، مصباح یزدی فراموش کرده است که گفته بود امام زمان پشت و پناه احمدی نژاد است، در باره رئیس جمهوری که با تقلب و پشتیبانی امام زمان صدای مردم را در گلو خفه کرده است می‌گوید «تیم احمدی نژاد یک تشکیلات فراماسونری است که بزرگترین فتنه و شدیدترین خطر برای اسلام است!»

و ما چه مردمانی بی‌توجه و بی‌دقت هستیم که ۱۴۰۰ سال است دم این جانوران را به دست گرفته و رهایشان نمی‌کنیم، چه احترامی به این شیادها و شارلاتان‌ها می‌گذاریم، هر سخن پوچ آنها را باور می‌کنیم و به یک اشاره ابروی آنها، صحن خیابانها و مساجد را به جمعیت‌های میلیونی می‌رسانیم شناخت این موجود عجیب‌الخلقه نیازی به خواندن کتابها و رساله‌هایشان ندارد، کمی توجه به کردار و گفتارشان همه چیز را فاش می‌کند. ایمان ما چشمان ما را در برابر این دروغگویان فریبکار کور مادرزاد کرده است بدبختی همه از ایمان ماست، ایمانی که چشم بر همه حقایق هستی بسته است ایمانی که همین آخوندهای متقلب در دل و جان ما تنیده و کاشته اند.

اگر به فرزند یک انسان با ایمان آخوندها تجاوز هم بکنند، آدم مؤمن فرزندش را رها می‌کند اما آخوند را ول کن نیست. این چه گرفتاری و بدبختی است که گریبان مردم ما را دو دستی چسبیده و رهایش نمی‌کند.

### طنز در قرآن

خواننده‌ای پرسیده است، آیا هیچ نکته خنده دار و طنزی در قرآن یافت می‌شود؟ پاسخ دادیم، آری، اتفاقاً یک آیه خنده‌دار در سوره حجر (آیه دوم) آمده است که می‌گوید: «بسیاری از کافران آرزو می‌کنند، ایکاش مسلمان بودند!!»

## گرد آورنده: دکتر احمد ایرانی

### سخنانی از سرانديشه و خردمندی

- خرافات جهان را به آتش می‌کشد، فلسفه زبانه‌ها را خاموش می‌کند. ولتر.
- آنان که اعلام جهاد یا جنگ مقدس می‌کنند، دشمنان اندیشمندان و تمدن‌اند. دانیال بوراستین
- هرگز نمی‌توان وجود خدا را ثابت کرد و هرگز نمی‌توان نبودش را به اثبات رسانید.
- مردم دنیا دو دسته‌اند. خردمند بی‌دین و مؤمن بی‌عقل. ابوالعلا معری
- برای نجات جهان به دلیری و ایمان نیاز داریم. ایمان به خرد و دلیری برای بیان آنچه بر اساس خرد، حقیقت جلوه می‌کند. برتراند راسل
- در قرآن آمده است «ای پیامبر مؤمنان را به جنگ ترغیب نما». اعظم کم‌گویان
- قرآن می‌گوید، اگر زنان مطیع نشدند آنها را به زدن تنبیه کنید.
- دین می‌آموزد که بنده و برده و مطیع باشید، تحقیر شوید، خود را انکار کنید و مقاومت نکنید.
- از دیدگاه مذاهب شک و تردید شرارت است و تحقیق و پرسش معصیت.
- بی‌خدایان، بهترین مدافعان ارزش‌هایی مانند آزادی اندیشه، تفکر انتقادی، تعقل و خردمندی هستند.
- واقعیت این است که خدا وجود ندارد، فرشته‌های بالدار و شیطان‌های شاخدار هم افسانه‌اند. اعظم کم‌گویان

### دستور هیجان‌انگیز رئیس جمهور تاجیکستان

امام علی رحمان رئیس جمهور تاجیکستان که پدر و مادرش نام او را اسلامی (امام علی) گذاشته‌اند، اینک که خود در اریکه شهریاری تاجیکستان قرار دارد از ملت خود رسماً خواسته است تا نام کودکان نو رسیده را از شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی برگزینند. امام علی رحمان گفت، اسامی کودکان باید زیبا باشد، زیرا اسامی نقش مهمی در تعیین سرنوشت و زندگی کودک دارد. نام پسر این رئیس جمهور خردمند «رستم» می‌باشد.

## دکتر نوشیروان حاتم

## ما ایرانی هستیم

ای کسانی که به اسلام ایمان آورده‌اید، به گمانم شماها به همه چیز اسلام از دروغگویی گرفته (تقیه)، تا دزدی و تجاوز به جان و مال و ناموس مردم و بریدن سرانسانها به نام الله، ایمان آورده‌اید، پس چرا شما توجهی به لا اکراه فی الدین ندارید.

ما ایرانی هستیم، پیامبر نداریم، اما پندار نیک داریم، امام و امام زاده نداریم، مجتهد و آیت‌اله و ولی فقیه نداریم، اما کردار نیک داریم. عاشورا و عزاداری و ماتم نداریم، اما جشن‌های فروردین‌گاه و اردی بهشت‌گان تا مهرگان و نوروز و سده تمام ماههای سال ما را پُر می‌کند. امام زمان مفقودالاثرا یا پنهان شده در اندرون چاه نداریم، اما خرد و فرهنگ ایمان نگهدار و نگاهبان ما و کشورمان می‌باشد. با هر نگاه برآسمان، بر خاک میهنم هزار بوسه میزنم و نفسم را از نسیم سپید رود و دریای خزر و خلیج همیشه پارس می‌گیرم. ما ایرانی هستیم و به دین یک ملت و یک کشور و یک پیامبر بیگانه نیازی نداریم.

## نام‌ها و معانی آنها - نام‌های ایرانی و عربی

نام‌های ایرانی: منوچهر (کسی که چهره بهشتی دارد) - دلارام (مایه آرامش) - بهرام (پیروز) - سهیلا (نورانی‌ترین ستاره) - پروین (ستارگان درخشان) - پوران (یادگار) - بهروز (خوشبخت) - نوشا (گوارا و شیرین) - مرجان (جان من) - مینو (بهشت) - رکسان (روشن) - پریسا (همچون پری) - خسرو (پادشاه) - دُرسا (مانند گوهر) - افشین (از تبار نیک) مهوش (چون ماه) ژاله (شبنم) - تارا (ستاره).

و نام‌های عربی: حیدر (انسان را زنده زنده پاره می‌کرد) کلثوم (زن خیکی) - خدیجه (سقط جنین شتر) - سکینه (زن گدا) - رقیه (جادو و نیرنگ) فاطمه (بچه شترماده) - بتول (زن حشری) - عذرا (زنی که بکارت‌اش را از دست نداده) - باقر (گاو نر چاق) عباس (اخمو) - عثمان (بچه دار) - کاظم (لال) صفرا (حقیر) - باقرالعلوم (به اندازه گاو می‌فهمد).

سخنانی از بزرگان اسلام در باره زنان  
زنان مسلمان بخوانند و کیف کنند

سخنان مهرآمیز رهبران مسلمان را به زنان، در کتابهای، ازدواج در اسلام، نهج البلاغه - نکاح المستدرک - مجلسی و بحارالانوار، در زیر بخوانید:

- \* بهترین مسجد برای زن‌ها کنج خانه هاست.
- \* از دنیا بترسید و از زنان بپرهیزید.
- \* ای مردهای مسلمان زن‌ها را بدون لباس بگذارید تا در خانه بمانند.
- \* زن‌هایی که آرایش می‌کنند و عطر می‌زنند حکم زن‌های زناکار را دارند.
- \* زن‌ها ناقص در ایمان، ناقص در بخت و ناقص در خرد هستند.
- \* مردی که زیر فرمان زنش باشد، خدا او را به رو در آتش افکند.
- \* مهمترین سلاح شیطان وجود زن‌ها می‌باشد.
- \* به زن‌ها در بالای خانه جا ندهید، نوشتن به آنها نیاموزید و سوره یوسف را به آنها آموزش ندهید!

«اگر زن‌ها یک دشمن داشته باشند آن دشمن، ادیان آسمانی به سرپرستی خداوند تبارک و تعالی و مدیریت پیامبران و امامان می‌باشد و بس. و زن‌ها عاشق این دشمنان خویشند»

## نوشته شده در نشریه نیمه دولتی ایران

دختری می‌میرد، در شب اول قبر می‌بیند امام علی به همراه تکیر و منکر آمده‌اند بالای سرش. امام علی تا چشمش به دختر می‌افتد رو به تکیر و منکر می‌گوید من امام این زن نیستم و فرشته‌های عذاب با گرز آتشین به جان دختر تازه مُرده‌ی بدبخت می‌افتند و حالا زن کی بزن تا اینکه حسابی خورد و خمیرش می‌کنند. از کتاب علامه حسین حسینی تهرانی معاد شناس.

## ماستمالی و گول زدن عوام؟

آیت‌اله سید ابوالحسن مهدوی (چقدر آیت‌اله داریم) یکی از اعضای مجلس خبرگان رهبری در مصاحبه‌ای گفت «رهبر جمهوری اسلامی برای گذراندن مخارج روزمره زندگی ناچار است از دیگران پول قرض کند»!!! - آیت‌الله... فلانی پدر زنِ پسر خامنه‌ای هم گفته، کار روزانه پسر آقای خامنه‌ای آقا مجتبی فقط عبادت است!!

اگر در قرآن وعده نوشیدن شراب در بهشت به مسلمانان داده شده است پس چرا در این دنیا شراب را حرام کرده‌اند، کار این خدا همه‌اش همینطور است یک بام و دو هوا، در این جهان اگر زنی یکبار با یک مرد هم‌خوابه شود سنگسارش می‌کنند، اما در بهشت همه مردان شب و روز در حال انجام سکس هستند! اینجا و آنجا برای خدا چه فرقی دارد؟

## برای شکستن تقدس اسلام

### تنفر داشتن از این دین بر هر ایرانی واجب است

تنفر و توهین به دینی که خون‌ها ریخته و همچنان در جهان خونریزی می‌کند نه اینکه کار بدی نیست برای سلامت و سعادت در بشریت ضروری هم هست. ایرانی‌ها تنها ملتی بین ملت‌های مسلمان هستند که مجازند به اسلام توهین کنند، چون توهینی را که تازیان با آن قوانین ضد انسانی اسلام در لحظه ورودشان به ایران، بر سر مادران و پدران و نیاکان ما آوردند غیر قابل پذیرش و باور نکردنی است، توهین‌هایی را که بر سر زنان و مادران ما در هنگام فروش زنان ایرانی در سر بازارهای شام و بصره در کنار احشام و بردگان روا می‌داشتند، توهین‌هایی را که در زمان فروختن پسران جوان به نام غلام و عجم برای بهره‌برداری جنسی از این عرب وحشی به آن عرب بیابانی بسر ایرانی آوردند ایرانی را مجاز می‌کند که تا می‌تواند، شب و روز بجای نماز خواندن و بسوی عربستان دولا و راست شدن هر لحظه و هر روز در زیر لب و یا با فریاد بلند به اسلام توهین کنند که بالاخره ملت ما را به خاک سیاه نشانید و چه خونها که از مردم ما بر زمین ریخت اسلام را باید ابتدا از تقدس انداخت سپس از دستش راحت شد. توهین به این دین تقدس آن را که مانع راه است از میان بر میدارد، گرچه میدانیم، توهین کردن کار درستی نیست اما برای رهایی از این دین راه چاره دیگری باقی نمانده است.

اسلام به سه شکل جان گرفت و پیروز شد.

- ۱- با سوزش شمشیر نوک تیز ۲- با یورش تازی خون ریز
- ۳- و با تطمیع مردانی که داشتن بیشتر از یک زن را دوست داشتند و بعد از مرگشان هم در روسپی خانه بهشت بدنبال عیش و عشرت دائمی هستند.

محمد و علی و حسین سه تفنگدار تازی هستند که چون بختکی بر سر ایرانیان افتاده‌اند و چنگالهایشان تا مغز استخوان آنها فرو رفته است. هیچ یک از دشمنان تاریخی ایرانیان به اندازه این سه نفر به ایران و ایرانی آسیب نزده‌اند. زیانهای اسکندر و تیمور و چنگیز در برابر زیانهای این سه مرد عرب به ایرانیان هیچ است.

## نفرین‌های آخوند صانعی (از مخالفین خامنه‌ای) به رهبر و دولت در شب احیا

خدایا ما با جامعه افسرده‌ای روبرو هستیم، مشکلات جامعه بسیار زیاد است، بیکاری، فشارهای اقتصادی، اعتیادهای خطرناک، فساد، ناهنجاری‌های اجتماعی، گرفتار شدن خوبان، اسیر شدن نخبگان مملکت و فرزندان انقلاب.

متأسفانه شاهد کربیه شدن چهره اسلام شده‌ایم که من فکر می‌کنم اگر خدای ناخواسته اوضاع چنین باشد دیری نگذرد که جمعیت زیادی از اسلام برگردند.

اما ظالمین بدانند و مطمئن باشند، وسیع‌الذین ظلموا، ای منقلب وینقلبون، یعنی دیکتاتورها بدانند هم دیکتاتوری خواهد رفت و هم دیکتاتورها. ملت‌ها دیگر آگاه شده‌اند. پروردگارا هرچه زودتر مقدمات استخلاص زندانیان بیگناه و اسرای مظلوم ما را فراهم فرما. خدایا مهربانی و عطف‌ت را در قلب بیرحم‌ها مقداری عنایت کن تا به انسان‌ها رحم کنند. پروردگارا ما غیر از این که از تو بخواهیم، راه دیگری نداریم، ما رفع همه گرفتاریها را تنها از تو می‌خواهیم... در شب احیای قم.

### ایرانی لیاقت بیشتری از مسلمان بودن دارد

در شب‌های احیا اینجا در لس آنجلس و بعضی مجالس اینجا و آنجا، ایرانی‌ها بجای خاک بر سر ریختن، قرآن بر سر گرفتند و از خداوند درخواست ثروت و سلامتی بیشتر کردند، در همان شب در زندانهای کشورهای مسلمان به ده‌ها دختر و پسر تجاوز شد، میلیون‌ها بچه و نوجوان، پیرمرد و پیرزن مسلمان در کشورهایشان از فقر و گرسنگی در کوچه‌ها و خیابانها سر قبرستانها خوابیدند. در این شب‌ها باید بر سر مسلمانان خاک ریخت که این همه عقب مانده و نادان هستند که به پرستش مُرده‌های هزار سال پیش می‌روند، که با آن ریش و پشم کثافتشان از ریخت آدمیزاد در آمده‌اند.

سَقَطُ شده‌ها، که کسی ثقة الاسلام هم قبولشان نداشت،  
امروز همه شده‌اند آیت‌الله!



می خواستیم از این شماره بیداری را برای  
کسانی که به درخواست ما برای کمک به  
تداوم کار نشریه، توجهی نکردند فرستیم  
از شماره بعد فرستادن بیداری برای آنان  
امابه پیشنهادیک همکار این شماره را هم  
میفرستیم و در صورت نرسیدن یاری ها  
حتما قطع خواهد شد

## برگزیده و برگردان محمد خوارزمی

### چه کسی نظرش را عوض کرده است

#### و نتیجه یک آزمایش علمی

خداوند کلیمی ها و مسیحی ها، بارها دستورهایی غلط و غیر طبیعی را در انجیل و تورات صادر کرده است مانند موضوع بردگی انسان در انجیل (آیه Leviticus شماره 4-25:44) و کشتار دستجمعی (آیه Deuteronomy شماره های 20:16 & 2-7:1) و قتل زناکاران و همجنسگرایان و سنگسار عروس های بدون پرده بکارت (آیه های Deuteronomy شماره 22:20-21 و Leviticus شماره 20:10-13) و کشتار ۴۲ نفر از کودکانی که بخاطر طاس بودن سر ایشای پیامبر او را مسخره کرده بودند بوسیله خرس های گرسنه و وحشی (آیه 2Kings شماره 2:23-24) و محروم کردن ثروتمندان از بهشت و نفرین گناهکاران به عذاب جهنم (آیه Mark شماره 9:47-48). بعدها کلیسا نظرش روی بردگی تغییر پیدا کرد، و سیاهپوستان را که اجازه نداشتند کشتی شوند اجازه دادند در جایگاه کشتی ها هم ظاهر شوند و سرپیچی کلیمی ها از دستور خدا در باره سنگسار که اجرا نمی کنند..... پرسش این است که آیا در این تغییرات که مسیحی ها و کلیمی ها برخلاف کتاب خود عمل می کنند خداوندشان نظرش را عوض کرده و به پاپ و کشیشان گفته آن دستورهایی پیشین را اجرا نکنید، یا اینکه انسانها خودشان در این ادیان تغییر عقیده داده و تصمیم به اجرا نکردن دستورهایی خدایشان بگیرند.

موضوع دومی را که برای خوانندگان بیداری ترجمه کرده ام عبارتست از نتیجه یک آزمایش علمی که در نشریه Scientific American آمده است، در مطالعه آزمایشگاهی که از طرف خانم Amy Owen و دستیارانش در دانشگاه D U K E که در ۳۰ مارچ در Plos One به چاپ رسید، با اندازه گیری قسمتی از مغز بنام Hippocampal از طریق MRI بعمل آمد چنین نشان میدهد که عبادات مذهبی برخلاف آنچه شایع بود که اثر سودمندی در مغز دارد در سنین بالا سبب کوچکتر شدن مغز می گردد. این آزمایش بین آن دسته از مردمی که نیایش و عبادت می کردند و آنهایی که عبادت نمی کردند انجام گرفته است.

در بیشتر کتابفروشی های وست وود لس آنجلس «بیداری» پخش می شود اگر درجایی نداشتند سری به کلبه کتاب در ۱۵۱۸ وست وود بزنید. تلفن کلبه کتاب ۶۱۵۱-۴۴۶-۳۱۰

خدایی که بوسیله اعدام و با زور بخواهد مردم را مسلمان کند  
خدایی که می تواند مادران را داغدار ابدی کند.  
خدایی که نوزادان ناقص خلق می کند.  
خدایی که برای تنبیه مخلوقش آنها را می سوزاند،  
این موجود حتماً خداست، چون موجود دیگری بمانند او در  
هستی دیده نمی شود، موجودی که تنها برای آزار دادن و  
کشتن آمده است

پیامبر اسلام ۲۳ سال پیامبری کرد، روزی هم ۵ بار،  
هفته رکعت نماز می خواند که در مجموع در آن ۲۳ سال  
حدود ۱۳۹۰۰۰ رکعت نماز خوانده است نمازش را هم در  
مسجد و در برابر مسلمین خوانده است. چگونه است که  
مسلمانها متوجه نشدند پیامبرشان در هنگام نماز خواندن  
دست هایش را کجا می گذاشت، آیا مانند سنی ها دستش را  
به روی سینه یا جلوی پایین تنه اش می گذاشت و یا مانند  
شیعیان دستانش آزاد بودند. نماز ستون دین است اگر در ستون  
دین ندانیم دستمان را کجا بگذاریم، فاتحه این دین را بخوانید  
و از دستش راحت شوید.

در میان ایرانیان، قرآن بی ارزش ترین کتاب جهان شناخته شده  
و امام علی امام اول شیعیان، معروف به قصاب مدینه،  
بیرحم ترین مرد جهان گردید، نفر دوم پس از این امام، آدولف  
هیتلر و نفر سوم متأسفانه از ایران بود بنام روح اله خمینی،  
مردی که به عناوین بیرحم، کینه توز و دروغگوترین نماینده خدا  
در روی زمین پس از محمد ابن عبدالله معرفی شد.

اگر شما کتاب «پرواز عقابها» نوشته آقای پرویز  
مینویی برنامه ساز ممتاز تلویزیون E 2 را سفارش  
بدهید به برنامه های روشنگری یاری رسانده اید.  
تلفن سفارش کتاب: 832-295-5551

## همانطور که اسلام را شناختیم، بهائیت را هم باید بشناسیم

## گفتگو با هم میهن بهایی - آقای حسن فیروزی

مانده از شماره پیش

□ بنظر شما، خون هایی را که پیامبران ادیان با دستورهای غلط و یا درست خود به زمین ریخته اند مسئولش کیست و به گردن چه کسی باید گذاشت، به گردن مردم یا دستورهای پیامبران.

● هم مردم و هم پیامبران، هر دو مسئول هستند.

□ جناب فیروزی، گذشته هایی را که مذاهب روی دست بشریت گذاشته اند به مراتب بیشتر از سایر جنگها و اختلاف هایی است که بین مردم جهان بوجود آمده، آیا این یک خوش خیالی و خام خیالی نیست که مذهب بهایی ات به مردم وعده هایی میدهد که نه به من و شما و نه به فرزندان ما و بلکه برای آیندگان روشن نیست چه نتیجه ای داشته باشد، چرا نسل های گذشته و نسل فعلی ستم بینند و از بین بروند تا آیندگان به آسایش و عدالت برسند.

● من معتقدم وطن پرستی و مذهب پرستی بزرگترین گشتارها را بوجود آورده است.

□ اکنون که بهایی ها هم همین راه را ادامه میدهند، دورهم جمع می شوند و دیگران را به دین خود وارد می کنند، و معلوم نیست اگر روزی به قدرت برسند چکار خواهند کرد سخنان بهاء اله را مسیح و کورش هم گفته اند ولی نتیجه چه بود؟ ما تا چه زمانی باید به دنبال آرزوهای ناشدنی، به دنبال این و آن بیفتیم و این راه را ادامه بدهیم.

● بهایی ات حکومت مذهبی را قبول ندارد.

□ امروز که به قدرت نرسیده بعله ولی در آینده چه؟

● من آرزو می کنم هرگز در هیچ جای جهان، هیچ دین و مذهبی به حکومت نرسد.

□ تا به امروز در اثر بوجود آمدن دین بهایی چه تعداد خانمانها پاشیده و چقدر خون انسان ها به زمین ریخته شده است؟

● خیلی. پیدایش یک انسان ژنی مانند بهاء الله این پی آمدها را داشت ولی مشکل او نبود این جبر تاریخ است. بهاء الله ۱۶۰ سال پیش اندیشه هایش را گفته، ما می توانیم آن را نقد کنیم چیزهای خویش را برداریم و چیزهای بدش را من به شما اجازه میدهم بزیند.

□ ببینید آقای فیروزی سخن ما این است، آیا ما بعنوان یک انسان خردمند باید راهی را به مردم ارائه بدهیم که به چاله دیگری بیفتند و همان مراحل را که مردم با ادیان دیگر طی کرده اند دوباره و چند باره طی کنند. حضرت بهاء اله باعث شد که خون عموی شما ریخته شود، نتیجه کار همه پیامبران همین بوده که مردم به خاک و خون بغلتند و آشوب فعلی جهان هم نتیجه آرمانهای ادیان گوناگون بوده است، وعده های حضرت بهاء اله را هم، دلیلی بر پیاده شدنش وجود ندارد.

● می فهمم، شما می گوید کارل مارکس نباید دنیا می آمد؟

□ باید دنیا می آمد ولی اگر سخن بی معنا و انجام نشدنی گفته باشد باید از او انتقاد کرد ما با خود این افراد مشکلی نداریم با اندیشه های آنان که انجام شدنی نیست و خون انسانهای بیگناه را به زمین میریزد مشکل داریم. ما امروز مسئول همه خون هایی را که از ۱۶۰ سال پیش تا به امروز به خاطر به وجود آمدن دین بهایی به زمین ریخته خود بهاء اله میدانیم.

● شاید هم حق با شما باشد، ولی من این را می گویم، کاری را که اتفاق افتاده ما نمی توانیم به عقب برگردانیم و مانع آن شویم. ما باید رفتار جامعه اکثریت را کنترل کنیم که این جامعه اقلیت (بهایی) را بخاطر دین شان نکشند و از بین نبرند.

□ بهر حال باید بپذیرید که پیامبرانی با سخنان غلط و اندیشه های انجام نشدنی خود باعث گرفتاریهای بسیار و اختلاف های بین انسانها شده اند.

● این ایراد بر شما هم وارد است، شما هم همین کار را با انتشار «بیداری» انجام میدید، برای مثال، میلیونها نفر حضرت علی را به عنوان رادمرد بزرگ مدل زندگی خود قرار داده اند که شما دارید خرابش می کنید.

□ درست است اگر ما با سخنان خود باعث ریخته شدن خون انسانها بشویم مسئول هستیم، مانند مسئولیتی که به گردن مدعیان پیامبری افتاده که گرفتاریهای بزرگی برای مردم جهان درست کرده اند.

● درست است، مسئول هستند، درست است.

□ سپاس که بالاخره در این مورد به یک نقطه مشترک رسیدیم.

(این مصاحبه در شماره ی بعد به پایان می رسد)

خوانندگان گرامی بیداری، آقای فیروزی یک انسان سخنور، اجتماعی و آشنا با منطق و زیر و بالای کلام است، گفتگو با چنین کسی که برای هر موضوعی یک کتاب پاسخ در سینه دارد کار آسانی نیست ولی با هر شکلی بود این گفتگو انجام شد و در پایان خودشان گفتند، فکر نمی کردم گفتگوی به این مشکلی داشته باشم، به طوری که به هنرمندی که از ایران آمده بود و ما می خواستیم با او به گفتگو بنشینیم، آقای فیروزی، البته به شوخی گفت، با بیداری به گفتگو ننشینیم که پوستت را می کند.

این را نوشتم برای آنها که احتمالاً ایراد خواهند گرفت چرا این پرسش و یا آن پرسش را نکردی و یا این گفتگو را قانع کننده نیابند. پرسش ها

می‌شود که این انسان خوب ما نه به خدا باوری دارد و نه به هیچ دین و پیامبری. البته بیان آشکار این موضوع برای کسانی مانند ایشان که در جامعه سرشناس هستند کار آسانی نیست و ایشان با این کارش و با این گفتگو، به‌راستی برای باورهای انسانی جدیدش دست به یک جهاد زد، البته نه از آن نوع جهادی که پدر و مادرش بخاطر دین‌شان دست به جهاد زدند. از این انسان دلیر که با ما به گفتگو نشست تا چراغی فراراه آیندگان قرار بدهد بی‌نهایت سپاسگزار هستیم. دیدگاه روشنگر شما را هم در باره گفته‌های آقای فیروزی اگر کوتاه باشد درج می‌کنیم.

### سپاسگزاری

نزدیک به دوازده سال است یک بانوی ایرانی به‌نام خانم پریوش دیبا «گلبانو» برای آزادی ایران شب و روز ندارد و تمام زندگی خود را دور محور مسایل درون ایران تمرکز داده است، و بیشترین آگاهی‌های خبری و روشنگری را در درازای شبانه روز از سراسر جهان جمع‌آوری و در اختیار ایرانیان درون و بیرون از مرز قرار می‌دهد. ای کاش سایر بانوان و البته بسیاری از مردان ما الگوی مبارزاتی خود را بانو پریوش دیبا «گلبانو» قرار می‌دادند و در کار مبارزه جدی به‌او تاسی می‌جستند. از همه زحمات، بیدار خوابی‌ها و تلاش بی‌وقفه این بانوی مبارز ایرانی سپاسگزاری می‌کنیم. بیداری

بر مبنای آشنایی ما با این دین مطرح می‌گردید، شاید بتوان خیلی فنی‌تر و دقیق‌تر این دین را تشریح و تعریف کرد، این کار را به‌عهده دیگران و آیندگان می‌گذاریم، امیدواریم همین گفتگو شما را با اندیشه‌های یک دین که می‌رود نیروی بزرگی بشود و خطرات دیگری را تحمیل مردم جهان کند آشنا کرده باشد و با آن با چشمان بازتر و آگاهی بیشتری روبرو شوید آنچه مسلم است و باید بدانیم هر فلسفه، هر مکتب و هر دینی که مردم جهان را از همدیگر جدا کند و حتی بنام وحدت عالم انسانی هم باشد، پیروی از آن کاری خردمندانه و به‌سود انسان‌ها نیست. اندیشه‌های ما هم در نشریه بیداری اگر مردم را به‌همان نتیجه برساند نباید پذیرفته شود. ولی ما در بیداری کسی را به‌وارد شدن در هیچ باوری تشویق نمی‌کنیم ما فقط گفته‌ها و نوشته‌ها و اندیشه‌های مذهبی را باز می‌کنیم و از زوایای گوناگون می‌شکافیم و ارائه می‌دهیم، تا آگاهی‌های مردم در باره ادیان بیشتر شود سخنان ما نه مقدس هستند، نه آسمانی هستند، نه پیامبر داریم و نه تبلیغ می‌کنیم و نه دینداران را از دین خودشان بیرون آورده و به‌دین خودمان منتقل می‌کنیم. ما با همه‌ی این کارها که مردم را به‌خرافات و نادانی بکشاند و به‌ادعاهای واهی امیدوار کند مخالفت داریم و می‌گوییم یکی از مشکلات جامعه بشری پدید آوردن ادیان بوده است و نباید این مشکل را بجای از میان برداشتن تقویت کرد تا در میان مردم باقی به‌مانند. اگر برآستی به‌فکر مردم هستید، تنها و تنها باید پیرو تقویت قوانین حقوق بشر که مجموعه‌ی اندیشه‌های تجربی فلاسفه و اندیشمندان سراسر جهان بوده است باشید نه هرکسی گروهی را به‌دور خود جمع کند و بر علیه گروه‌ها و دین‌های دیگر دار و دسته راه بیندازد. تا به‌امروز ادیان و پیروان آنها با هزینه‌های زیادی که از جیب ناتوانان به‌دست آورده‌اند نگذاشته‌اند مردم بدانند که با ظهور موسی و عیسی و محمد و بهاء‌الله و هر پیامبر دیگر جهان آنها چقدر عقب مانده است، چقدر گرسنه و بی‌سواد دارد، چقدر کینه و اختلاف بین مردم به‌ویژه ادیان هست، چقدر از پیشرفت دانش جلوگیری شده است، چقدر مغزهای جوان را پوشانیده‌اند و ادیان چه پدیده ضد زندگی و ضد انسانی هستند. نسل‌های آینده نادانی نسل‌های گذشته را با خود حمل نخواهند کرد، و به‌آسانی گذشته زیر بار هر تبلیغ و باوری نخواهند رفت، کامپیوترهای کوچک کف دست آنها، همه‌ی نابخردی‌های انسان را بیرون میریزد و دروغگویان را افشا می‌کند. وظیفه هر انسانی امروز تقویت دانش است نه‌دین، دفاع از هر دین، ایستادگی در برابر پیشرفت واقعی انسان است، ایستادگی در برابر پیاده کردن عدالت اجتماعی است، و ایستادگی در برابر رسیدن انسان به‌خوشبختی و لذت بردن از زندگی کوتاه مدت خویش است. شش هزار سال ادیان کتابدار و مدرک دار نتوانستند یک گام انسان را به‌جلو ببرند، شش هزار سال تجربه کافی است که به‌همان راه تاریک، خطرناک، بی‌هدف و زندگی سوز نرویم. خوشحالیم که در این گفتگوی طولانی، اگر چه مصاحبه‌شونده در آغاز سعی می‌کند خود را یک باورمند دینی معرفی کند، ولی در بین مصاحبه‌بارها مشخص

تعداد بیشتری از ایرانیان خواسته‌اند تا نامشان را در کنار نام سایر امضاءکنندگان فراخوان جنبش رهایی از اسلام قرار دهیم، از جمله دکتر بهروز تابش، مهندس مهدی اخوان - ثریا خسروپور - بزرگ امید و تعدادی دیگر هم مستقیماً به روی سایت جنبش رفته و نام خود را در پتی‌شن اضافه نموده‌اند. از همه این گرامیان بی‌نهایت سپاسگزار هستیم و از سایرینی که می‌خواهند به جمع پیشگامان راه جنبش رهایی از اسلام بپیوندند خواهش می‌کنیم به‌سایت جنبش رهایی از اسلام [antieslam.net](http://antieslam.net) مراجعه کنند، ضمن خواندن مقاله‌های جالب سایت، نام خود را هم به‌لیست پیشگامان اضافه نمایند.

## Thinking points for Iranian youth

In Countries such as Sweden and Denmark that are largely filled with non-believers and atheists.

I can vouch from experience that secular European nations are full of well-behaved and well-meaning citizens, not criminals and sociopaths running amok.

In fact, you can make a good case that those countries, with their liberal social views and extensive aid for the sick, old and disadvantaged, are even more moral than America, clearly, you can be good without God.

Jerry A. coyne USA TODAY

۴۰ شماره از بیداری ها را دو جلد کتاب کرده ایم تا با فروش آنها بیداری را منتشر کنیم. لطفاً سفارش دهید.  
(858) 320 - 0013

شماره حساب بیداری در بانک Chase عبارتست 3091-94-5003

تلفن و فکس بیداری (858) 320-0013  
bidari2@Hotmail.com www.bidari.org

## بیداری

نشریه کانون فرهنگی خرافه زدائی

### سلام یعنی (من تسلیم اعرابم)

به دروغ می‌گویند سلام، از سلامتی می‌آید یا سلام، سلامتی می‌آورد، چنین چیزی درست نیست، در زمان حمله اعراب، ایرانی‌های شکست خورده در کوچه و خیابان در هنگام برخورد با یک فرد عرب از ترس جان و اینکه مورد حمله قرار نگیرد و به دردسر جزیه دادن و غیره نیفتد، هنگامی که از کنار عرب‌ها رد میشدند دستان خود را به علامت تسلیم بالا می‌بردند و می‌گفتند سلام یعنی تسلیم و هرکسی که اعلام تسلیم شدن می‌کرد یعنی می‌گفت سلام از خوردن تازیانه و شلاق و مشت و لگد در امان می‌ماند. امروز ۱۴۰۰ سال است که از حمله اعراب گذشته است اما آثار آن حمله در مغز و دل ایرانی‌ها برجا مانده است. بجای سلام که همان من تسلیم اعراب هستم باشد درود را به کار ببرید تا سنگر به سنگر این بلای ایران سوز را از مغز و دل خود بیرون بیندازیم. خانمهای اردلان وهدی در رادیو 670 توجه نمایند

از اکنون برنامه ریزی کنید، برای نوروز دو جلد خردنامه‌های بیداری را به دوستان و بستگان خود عیدی بدهید.

Prst Std  
U.S. Postage  
Paid  
San Diego, CA  
Permit No. 2129

BIDARI  
تبداری  
P.O. BOX 22777  
San Diego CA 92192  
U.S.A